

یا علی از یومی که لوح معهود که به صیحه و ساعه و صور نامیده شده

ارسال گشت ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۷۵۸

از یمین عرش نازل

یا علی از یومی که لوح معهود که به صیحه و ساعه و صور نامیده شده ارسال گشت مشرکین و منکرین در کمال مکر و تدبیر قیام نموده‌اند اگرچه در ظاهر امری مشهود نه ولكن ان ربک هو العليم الخبير بکمال جدّ در صدد جمال قدم بوده و هستند در این ایام هر روز حادثه جدیدی در این ارض حادث و نفسی الحقّ ابداً حزنی از این امورات و آنچه از قبل وارد شد و از بعد وارد شود نبوده و نخواهد بود بفرحی جمال قدم بر عرش اعظم مستقرّ که اگر نفعه‌ئی از آن بر اهل ارض مرور نماید جمیع از شوق و فرح و سرور هلاک شوند ولكن حزن از آن است که عباد ضعیفند و حقّ نظر بتلطّف و مهربانی در بحر بلایا و محن ایشان را بمقرّ اقصى دعوت میفرماید و آن نفوس محتجبه شاعر نه ای علی کمال مجاهده مبذول دارید و بیت امر را از سارقین حفظ نمائید ملاحظه در بیت ظاهر کن که اگر حفاظ آن را نوم غلبه نماید البته سارقین داخل شوند و وارد گردند ولكن اگر حفاظ بحراست و حفظ خود مشغول ابداً دست نیابند حال بر مخلصین از احبّای الهی لازم است که کمال سعی را معمول دارند و امر الهی و بیت او را از سارقین حفظ نمایند قل کونوا قائمین لدی الباب ثم اطرّدوا الشیاطین بشهاب ذکر اسمی العزیز المنیع

مرّة اخرى به علی قبل اکبر نازل

بعضی از ناس از بعضی مخصوص ساحت اقدس زخارف طلب نموده و مینمایند و این بغایت از شطر عدل و انصاف بعید است از اول ظهور تا حین ابداً بنفسی در چنین امور اظهار نرفته مقدّس است ذیل امر از این اذکار تا چه رسد بفعل آن بر کل لازم است که بعضی از عباد را نصیحت نمایند و من قبل الله اظهار دارند منادی احدیه از شطر الوهیه ندا میفرماید ای احبّای ذیل مقدّس را بطین دنیا میالائید و به ما اراد النفس والهوی تکلم مکنید قسم بآفتاب افق امر که از سماء بیجن بکمال انوار و ضیاء مشهود است مقبلین قبله وجود الیوم باید از غیب و شهود مقدّس و منزّه باشند اگر بتبلیغ مشغول شوند باید بتوجه خالص و کمال انقطاع و استغنا و علوّ همّت و تقدیس فطرت توجه باشطار بنفحات مختار نمایند



ORIGINAL

ينبغي هؤلاء ان يكون زادهم التوكل على الله ولباسهم حب ربهم العليّ الأبهى تا كلمات آن نفوس مؤثر شود نفوسی که اليوم بمشتهيات نفسیه و زخارف دنیای فانیه ناظرند بغایت بعید مشاهده میشوند در اکثر احیان در ساحت رحمن بحسب ظاهر زخارفی نبوده و طائفین حول در عسر عظیم بوده اند مع ذلک ابدأً از مشرق قلم اعلی ذکر دنیا و یا کلمه ئی که مدلل بر آن باشد اشراق نموده و هر نفسی که موفق شد و بساحت اقدس هدیه ئی ارسال نمود نظر بفضل قبول شده مع آنکه اگر جمیع اموال ارض را بجوایم تصرف ثنائیم احدی را مجال لم و بم نبوده و نخواهد بود هیچ فعلی اقبح از این فعل نبوده و نیست که باسم حقّ مابین ناس تکدی شود بر آن جناب و اصحاب حقّ لازم که ناس را بتزیه اکبر و تقدیس اعظم دعوت نمایند تا رایحه قیص ابهی از احبای او استنشاق شود و لکن باید اولو الغنی بفقرا ناظر باشند چه که شأن صابرين از فقرا عندالله عظیم بوده و عمری لا يعادله شأن الا ما شاء الله طوبی لفقير صبر و ستر و لغنی انفق و آثار انشاء الله باید فقرا همت نمایند و بکسب مشغول شوند و این امری است که بر هر نفسی در این ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه عندالله محسوب و هر نفسی عامل شود البتّه اعانت غیبیه شامل او خواهد شد آنه یغنی من یشاء بفضلله انه على کلّ شیء قدیر

و هم چنین در حفظ نفوس و تربیت اهل ملت و مملکت از مشرق مشیت رحمانی کلماتی مشرق که فواید آن شامل جمیع من علی الأرض خواهد شد لو یسمعون ما نزل من سماء الأمر حال مصلحت نبود که ارسال شود در سماء مشیت معلق تا کی اراده الهیه تعلق گیرد و ارسال شود الأمر پیده بسیار در تربیت نفوس جهد نمائید این از اهمّ امور بوده و خواهد بود و البهآ علیک یا من نسمع ندائك فی ذکر ربک المقتدر العزیز المختار

ای علی بگو باحبای الهی که اول انسانیت انصاف است و جمیع امور منوط بآن قدری تفکر در رزایا و بلاایای این مسجون نمائید که تمام عمر در ید اعدا بوده و هر یوم در سبیل محبت الهی بیلائی مبتلا تا آنکه امر الله مابین عباد مرتفع شد حال اگر نفسی سبب شود و باو هام خود در تفریق ناس سرّاً او جهراً مشغول گردد او از اهل انصاف است لا ونفسه المهيمنة على العالمين لعمری ینوح قلبی و یدمع عینی لأمر الله و للذين يقولون ما لا يفقهون و يتوهمون فی انفسهم ما لا يشعرون اليوم لایق آنکه کل باسم اعظم متشبث شوند نیست مهرب و مفرّی جز او و ناس را متحد نمایند اگر نفسی در اعلی علو مقام قائم باشد و از او کلماتی ظاهر شود که سبب تفریق ناس گردد از شاطی بحر اعظم و علت توجه بشری جز مقام محمود مشهود که ظاهر است بحدود بشریه جهاتیّه یشهد کلّ الاکوان بآنه محروم من نفحات الرحمن قل ان انصفوا یا اولی الألباب من لا انصاف له لا انسانیة له حقّ عالم است بکلّ نفوس و ما عندهم حلم حقّ سبب تجرّی نفوس شده چه که هتک استار قبل از میقات نمیفرماید و نظر بسبقت رحمت ظهورات غضبیه منع شده لذا اکثری از ناس آنچه سرّاً مرتکبند حقّ را از آن غافل دانسته اند لا ونفسه العليم الخبير کل در مرآت علمیه مشهود و مبرهن و واضح قل لک الحمد یا ستار عیوب الضعفاء و لک الحمد یا غفار ذنوب الغفلاء ناس را از موهوم منع نمودیم که بسطان معلوم و ما یظهر من عنده عارف شوند حال بظنون و او هام خود مبتلا مشاهده میشوند لعمری انهم هم الموهوم و لا يشعرون و ما یتکلمون انه هو الموهوم و لا يفقهون نسأل الله ان یوفق الکّل و یعرفهم نفسهم و انفسهم لعمری من فاز بعرفانه یطیر فی هوآء حبه و ینقطع عن العالمين و لا یلتفت الی من علی الأرض کلّها و کیف الذین یتکلمون بأهوائهم ما لا اذن الله لهم

بگو اليوم یوم اصفا است بشنود ندای مظلوم را باسم حقّ ناطق باشید و بطراز ذکرش مزین و بانوار حبش مستبیر اینست مفتاح قلوب و صیقل وجود و الذی غفل عما جرى من اصبع الارادة انه فی غفلة مبین صلاح و سداد شرط ایمان است

نه اختلاف و فساد بلّغ ما امرت به من لدن صادق امين انما البهآء عليك يا ايها الذّاكر باسمي و الناظر الى شطري و
الناطق بثناء ربّك الجميل